

به نام خداوند جان و خرد

اعلیحضرتین، اعضای محترم کمیته صلح نوبل، حضار گرامی، خانم ها و آقایان!

بسیار سرافرازم که امروز از این جایگاه شایسته صدای من به گوش مردم جهان می رسد. این افتخار بزرگ را کمیته صلح نوبل نصیب من ساخته است. درود می فرستم بر روان آلفرد نوبل و سلام می کنم بر پیروان راستین راه او.

امسال جایزه صلح نوبل نصیب زنی شده است از کشور ایران، کشوری مسلمان در منطقه خاور میانه.

بی تردید انتخاب من سبب دلگرمی انبوه زنانی خواهد شد که نه فقط در ایران بلکه در کشورهای منطقه برای گرفتن حقوق خود تلاش می کنند، حقوقی که طی پروسه تاریخی از آنان سلب شده است. این انتخاب موجب خودباوری زنان در ایران و در مرزهای فراتر از ایران خواهد شد. زنان نیمی از جمعیت هر کشوری هستند، نادیده گرفتن آنان و محروم کردن زنان از مشارکت فعال در حیات سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی، به واقع محروم کردن کل هر جامعه ایست از نیمی از توانایی خود.

نمی توان تا ابد با فرهنگی مردسالار به وضعیت تبعیض آمیز زنان به ویژه در کشورهای اسلامی ادامه داد.

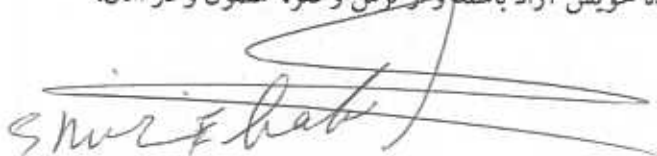
اعضای محترم کمیته صلح نوبل!

همانگونه که می دانید، افتخار و موهبت این جایزه بر تلاش های انسان دوستانه و راستین مردم ایران و مردم منطقه، تأثیرات مثبت و فراگیری خواهد گذاشت. دامنه این موهبت شامل هر انسان آزادی خواه و صلح دوستی اعم از زن یا مرد می شود.

به خاطر افتخاری که نصیب من شده و به خاطر موهبت این افتخار برای مردم صلح دوست کشورم از کمیته صلح نوبل سپاسگزارم.

خانم ها! آقایان!

امروز مقارن است با پنجاه و پنجمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر. اعلامیه ای که با شناسایی کرامت ذاتی تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان، به عنوان تضمین کننده آزادی، عدالت و صلح، آغاز می شود و دنیایی را نوید می دهد که در آن انسان ها در بیان و عقیده خویش آزاد باشند و از ترس و فقر، مصون و در امان.



اما افسوس که گزارش امسال دفتر برنامه ریزی توسعه سازمان ملل (UNDP)، مانند سالهای گذشته، خبر از گسترش فاجعه ای می دهد که بشریت را از دنیای آرمانی نویسندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر، دور می کند. در سال ۲۰۰۲ نزدیک به یک میلیارد و دویست میلیون انسان در فقر فاحش زندگی می کرده اند و درآمد روزانه آنان کمتر از یک دلار بوده است. بیش از ۵۰ کشور درگیر جنگ یا بلایای طبیعی بوده اند. بیماری ایدز تاکنون ۲۲ میلیون انسان را قربانی کرده و ۱۳ میلیون کودک یتیم به بار آورده است.

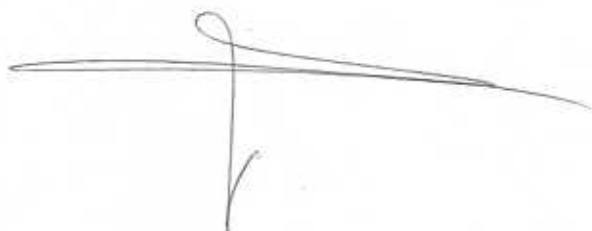
از سوی دیگر طی دو سال گذشته، برخی از دولت ها با دستاویز فاجعه ۱۱ سپتامبر و مبارزه با تروریسم بین المللی، اصول و موازین جهان شمول حقوق بشر را نقض کرده اند. در حالیکه در قطعنامه شماره ۵۷/۲۱۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، و قطعنامه شماره ۱۴۵۶ مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۰۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد و در قطعنامه شماره ۲۰۰۳/۶۸ مورخ ۲۵ آوریل ۲۰۰۳ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، تصریح و تاکید شده است که همه دولت ها در مبارزه با تروریسم بایستی تعهداتی را که در چارچوب حقوق بین الملل، به ویژه موازین بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه، به عهده گرفته اند، رعایت کنند. معینا مقررات تحدید کننده حقوق و آزادی های اساسی، مراجع اختصاصی و دادگاههای فوق العاده که انجام دادرسی عادلانه را دشوار و گاه غیر ممکن می کند، زیر پوشش مبارزه با تروریسم، توجیه شده و مشروعیت یافته اند.

نگرانی مدافعان حقوق بشر زمانی فزونی می یابد که مشاهده می کنند موازین بین المللی حقوق بشر نه فقط از سوی مخالفان شناخته شده آن، به بهانه نسیت فرهنگی نقض می شود، بلکه در دموکراسی های غربی، یعنی کشورهایی که خود جزء نخستین تدوین کنندگان منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده اند نیز، این اصول پایمال می شود. و بر این بستر است که صدها انسانی که در جریان درگیری های نظامی دستگیر شده اند، ماههاست که در **گوانتانامو** در زندان بسر می برند، بی آن که از حقوق پیش بینی شده در عهدنامه های بین المللی ژنو، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند.

همچنین پرسشی که میلیونها شهروند جامعه مدنی بین المللی، طی سالهای گذشته و به ویژه در چند ماه اخیر از خویش کرده و می کنند اینست که چرا برخی از تصمیمات و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل لازم الاجرا بوده، ولی برخی دیگر از این قطعنامه ها هیچگونه ضمانت اجرایی ندارند؟ چگونه است که طی ۳۵ سال گذشته دهها قطعنامه سازمان ملل متحد درباره اشغال سرزمین های فلسطین توسط دولت اسرائیل، به موقع اجرا گذارده نشده اند، ولی کشور و مردم عراق در ۱۲ سال گذشته، یکبار با تجویز شورای امنیت و بار دوم علی رغم مخالفت شورای امنیت سازمان ملل متحد، مورد حمله و هجوم نظامی و تحریم اقتصادی و در نهایت اشغال نظامی واقع شده اند؟؟

خانم ها! آقایان!

اجازه دهید اندکی هم از کشور و منطقه و فرهنگ و کیش خویش سخن گویم.



من ایرانی ام . از نوادگان کورش کبیر . همان امپراطوری که ۲۵۰۰ سال پیش از این و در اوج قدرت اعلام کرد که " ...اگر مردمان نخواهند بر آنها حکومت نخواهد کرد و تعهد کرد که کسی را وادار به تغییر دین و مذهب خود نمی کند و آزادی را برای همگان تضمین می کند . " کبیر کورش کبیر یکی از مهمترین اسنادی است که در تاریخ حقوق بشر باید مورد مطالعه قرار گیرد.

من مسلمانم و از قول پیامبر اسلام در قرآن آمده است که : **«شما به کیش خویش باور دارید و من به دین خود»** و همان کتاب آسمانی، رسالت همه پیامبران را در دعوت انسانها به برقراری عدالت می داند. تمدن و فرهنگ ایران پس از اسلام هم، با بشردوستی و احترام به جان و عقیده و مذهب دیگران و ترویج تسامح و مدارا و پرهیز از خشونت و خونریزی و جنگ، آمیخته و ممزوج شده است. ستارگان آسمان ادب ایران، به ویژه ادبیات عرفانی ما، از حافظ و مولوی و عطار گرفته تا سعدی و سنایی و ناصر خسرو و نظامی، نمایندگان این فرهنگ بشردوستانه اند که پیامشان در این شعر سعدی تجلی یافته است :

**بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار**

بیش از یکصد سال است که مردم ایران با چالش های پیاپی بین سنت و مدرنیته روبرو هستند. برخی با تمسک به سنت های دیرین، سعی داشته و دارند که دنیا را از چشم پیشینیان بنگرند و با معیارهای ارزشی گذشتگان، با مسائل و مشکلات دنیای کنونی برخورد نمایند. اما بسیاری دیگر با احترام به گذشته تاریخی و فرهنگی و کیش و مذهب خود، می خواهند با تحولات جهان همگام شوند و از قافله تمدن و پیشرفت و توسعه عقب نمانند. - مردم ایران به ویژه طی سالهای اخیر، نشان داده اند که مشارکت در امور عمومی را حق خود می دانند و می خواهند که سرنوشت خویش را خود رقم زنند.

این چالش نه تنها در ایران که در بسیاری از کشورهای اسلامی به چشم می خورد. برخی از مسلمانان با این دستاویز که دموکراسی و حقوق بشر با تعالیم دین اسلام و ساختار سنتی جوامع اسلامی سازگاری ندارند، حکومت های استبدادی را توجیه کرده و می کنند. و در واقع حکومت کردن به شیوه سنتی و پدرسالارانه و قیم مآبانه، بر مردمی که به حقوق خود آگاه هستند، به آسانی ممکن نیست.

اسلام دینی است که نخستین خطابش به پیامبر با کلمه «**بخوان**» آغاز میشود و در قرآن به **«قلم و آنچه می نویسند»** سوگند یاد شده است. چنین خطاب و پیامی نمی تواند با آگاهی و دانش و خردورزی و آزادی اندیشه و بیان و پلورالیسم فرهنگی به جدال برخیزد.

وضعیت تبعیض آمیز زنان در کشورهای اسلامی هم، چه در زمینه حقوق مدنی و چه در قلمرو حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، ریشه در فرهنگ پدرسالار و مردسالار حاکم بر این جوامع دارد و نه دین اسلام. - این فرهنگ همان گونه که برابری حقوقی زن و مرد و رهایی زن از سلطه مرد (پدر، شوهر، برادر ...) را باور ندارد، آزادی و دموکراسی را هم بر نمی تابد، زیرا که موقعیت تاریخی - سنتی حاکمان و متولیان آن فرهنگ به مخاطره می افتد.



به کسانی که نظریه برخورد تمدن‌ها را طرح کرده‌اند، و یا جنگ و دخالت نظامی را برای این منطقه تجویز می‌کنند، و برای توجیه اعمال و افکار خود به عقب‌ماندگی‌های اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی و سیاسی منطقه جنوب استناد می‌کنند، باید گفت که اگر شما موازین بین‌المللی حقوق بشر و از جمله حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را جهان شمول می‌دانید و اگر به رجحان و برتری دموکراسی پارلمانی بر دیگر نظام‌های سیاسی اعتقاد دارید، نمی‌توانید بخل و رزانه و خودخواهانه تنها به فکر امنیت و آسایش خود باشید. - جستجوی ساز و کارهای نوین برای آنکه کشورهای منطقه جنوب هم قادر شوند، تا با حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشورهاشان، به حقوق بشر و دموکراسی دست یابند، بایستی در سرلوحه تحولات آینده سازمان ملل متحد و مناسبات بین‌المللی قرار گیرد.

تصمیم کمیته صلح نوبل در اعطای جایزه سال ۲۰۰۳ به من به عنوان نخستین ایرانی و نخستین زن از یک کشور مسلمان، این نوید را به من و میلیون‌ها ایرانی و شهروند کشورهای اسلامی می‌دهد که کوشش‌ها و تلاش‌ها و مبارزات ما در راه تحقق حقوق بشر و برقراری دموکراسی در کشورهایمان از حمایت و پشتیبانی و هم‌بستگی جامعه مدنی بین‌المللی برخوردار است. این جایزه، جایزه مردم ایران، جایزه مردم کشورهای اسلامی و جایزه مردم کشورهای منطقه جنوب برای استقرار حقوق بشر و دموکراسی است.

خانم‌ها! آقایان!

در مقدمه این گفتار از حقوق بشر به عنوان تضمین‌کننده آزادی، عدالت و صلح یاد کردم. اگر حقوق بشر در قوانین مدون تجلی نیابد و از سوی دولت‌ها به مرحله اجرا گذارده نشود، به تعبیر مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، انسان راه دیگری جز «قیام بر ضد ظلم و فساد» ندارد. انسان تهی شده از کرامت، انسان محروم مانده از حقوق بشر، انسان گرسنه، انسان مقهور فحطی و جنگ و بیماری، انسان تحقیر شده، انسان غارت شده، در مقام و موقعیتی نیست که با راهنمایی خرد و منطق، برای احیای حقوق از دست رفته‌اش مبارزه کند.

دنیای قرن بیست و یکم اگر می‌خواهد که از دور و تسلسل خشونت و ترور و جنگ‌رهای یابد و تجربه قرن بیستم، این فاجعه‌بارترین قرن بشریت، تجدید نشود، راه دیگری جز شناسایی و تامین تمامی حقوق بشر برای تمامی انسانها، فارغ از نژاد، جنس، مذهب، ملیت و وضعیت اجتماعی آنان ندارد.

به امید فرارسیدن آنروز.

سپاسگزارم
شیرین عبادی
